

مفاهیم کلیدی

جهان دنیوی؛

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

خلاصه کنید

- براساس نگاه تکخطی به تاریخ، همه‌ی جوامع مسیر واحدی را طی می‌کنند.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

آنچه از این درس آموختیم

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

فصل سوم

شناخت اجتماعی

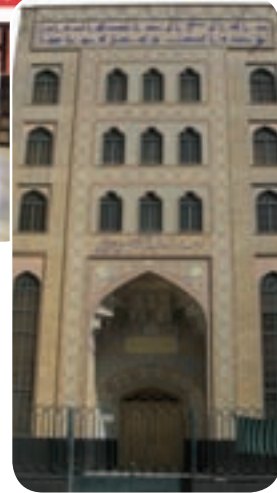
- ۱- شناخت اجتماعی
- ۲- انواع شناخت علمی
- ۳- شناخت اجتماعی تجربی
- ۴- شناخت اجتماعی عقلی
- ۵- شناخت اجتماعی شهودی
- ۶- شناخت اجتماعی در قرآن

انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

- شناخت عمومی را از شناخت علمی بازشناسد و رابطه آن‌ها را تحلیل کند.
- انواع شناخت علمی را در مقایسه‌ی با هم تشریح کند.
- شناخت اجتماعی تجربی؛ توانمندی‌ها و کاستی‌های آن را بشناسد.
- شناخت اجتماعی عقلی؛ توانمندی‌ها و کاستی‌های آن را بداند.
- شناخت اجتماعی شهودی و انواع آن را بشناسد.
- رابطه شناخت اجتماعی و جهان اجتماعی را تحلیل کند.
- شناخت اجتماعی متناسب با جهان اجتماعی اسلام را تشریح کند.



شناخت اجتماعی



شناخت عمومی

آگاهی و شناخت، دروازه‌ی ورود انسان به جهان اجتماعی است. انسان‌ها درباره‌ی جهان اجتماعی خود، دانستنی‌های فراوانی دارند. شناخت اجتماعی انواعی دارد که عام‌ترین و گسترده‌ترین نوع آن، فهم عرفی یا شناخت عمومی است. درباره‌ی شناخت عمومی چه می‌دانیم؟

ما اغلب از شناختی که نسبت به کارهای خود داریم و از اهمیت و نقش این شناخت در زندگی خود غافلیم. به کنش‌های روزانه‌ی خود دقت کنیم: راه رفتن، تلفن زدن، رانندگی، احوال‌پرسی، خرید و کارهای پیچیده‌ی دیگر. شاید در نگاه اول گمان کنیم این کارها به‌طور

طبیعی و بدون شناخت خاصی انجام می‌شود یا ممکن است فکر کنیم شناختی که برای این کارها داریم، چندان مهم نیست!

فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی وارد شوید که کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود؛ پیش از انجام هرکاری فکر می‌کنید. حتی به این‌که چگونه راه بروید و چگونه حرف بزنید می‌اندیشید. متوجه می‌شوید حتی در راه رفتن و حرف زدن شما شناخت‌هایی وجود دارد که در زندگی روزمره، به سبب عادت از نگاه و توجه شما پنهان است.

مست آب و پیش روی اوست آن اندر آب و بی‌خبر ز آب روان
چون گهر در بحر گوید بحر کو و آن خیال چون صدف دیوار او

هیچ یک از کنش‌های اجتماعی ما بدون آگاهی به آن انجام نمی‌شود. بدون این آگاهی، زندگی اجتماعی انسان‌ها مختل می‌شود و جهان اجتماعی از بین می‌رود. در سال گذشته از آگاهی و شناخت عمومی با نام شناخت حاصل از زندگی یاد کردیم؛ زیرا انسان این نوع شناخت را در طول زندگی خود به دست می‌آورد. ما انسان‌ها با وارد شدن به جهانی که دیگران در آن به سر می‌برند، با آن‌ها در مجموعه‌ای از شناخت‌ها شریک می‌شویم. این شناخت‌های مشترک که همان شناخت عمومی است، اندوخته‌ی مشترکی از دانش‌ها و آگاهی‌هاست که ما هنگام تعامل با دیگران، از آن استفاده می‌کنیم. ما در باره‌ی شناخت عمومی کم‌تر می‌اندیشیم و بیشتر، از آن استفاده می‌کنیم و آن را به کار می‌بریم.

تأمل کنید

● به نظر شما، فراگیری شناخت عمومی در کدام مقطع از زندگی آغاز می‌شوند و تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند؟

شناخت علمی

شناخت عمومی برای زندگی اجتماعی مانند هوا برای زندگی فردی انسان است. انسان همواره از هوا استفاده می‌کند اما در اغلب موارد متوجه آن نیست و از اهمیت هوا در زندگی‌اش غافل است. ما هنگامی متوجه وجود هوا می‌شویم که در آن تغییری رخ دهد و به خصوص، مشکلی به وجود آید. انسان‌ها چگونه متوجه شناخت عمومی می‌شوند؟

افراد جامعه هنگامی متوجه شناخت عمومی می‌شوند و درباره‌ی آن می‌اندیشند که در کاربرد و استفاده از آن گرفتار مشکل شوند؛ مثلاً، ما وقتی در جمعی قرار می‌گیریم که زبان ما را متوجه نمی‌شوند و ما نیز با زبان آنان آشنا نیستیم، متوجه شناخت خود نسبت به زبان می‌شویم و به تفاوت زبان خود و آن‌ها پی می‌بریم و درباره‌ی این تفاوت می‌اندیشیم.

با پرسش از شناخت عمومی، شناخت علمی نسبت به جهان اجتماعی آغاز می‌شود.

ویژگی‌های شناخت علمی در مقایسه با شناخت عمومی عبارت‌است از:

۱- **آگاهانه بودن:** شناخت علمی، آگاهانه دنبال می‌شود اما شناخت عمومی اغلب به صورت ناخودآگاه و بدون این‌که متوجه یادگیری آن شویم، در جریان زندگی اجتماعی حاصل می‌شود.
۲- **تأمل و استدلال:** شناخت علمی از طریق تأمل و تفکر دنبال می‌شود، حال آن‌که شناخت عمومی، فهمی است که در اثر زندگی اجتماعی و استفاده از اندوخته‌ی معرفتی جامعه حاصل می‌شود.

۳- **جست‌وجوی حقیقت:** شناخت علمی برای کشف حقیقت و شناخت درست یا نادرست بودن امور و پدیده‌ها است، حال آن‌که شناخت عمومی بیش‌تر برای استفاده‌ی عملی و زندگی در جهان اجتماعی است.

مقایسه‌کنید

● زبان یک پدیده‌ی اجتماعی است. شناخت عمومی و علمی نسبت به این پدیده را مقایسه کنید

رابطه‌ی شناخت عمومی و شناخت علمی

شناخت عمومی و شناخت علمی در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اندیشمندان علوم اجتماعی درباره‌ی تأثیر هر یک از این دو بر دیگری، بحث‌های فراوانی کرده‌اند. هر یک از این دو شناخت در دیگری چه اثری دارد؟

درباره‌ی تأثیر شناخت علمی بر شناخت عمومی به سه مورد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- **حل مشکلات:** دانستیم انسان هنگامی متوجه شناخت عمومی می‌شود که فهم عرفی و شناخت عمومی در کارایی خود دچار مشکل شده باشد. شناخت علمی برای حل مشکلات شناخت عرفی و عمومی به کار می‌آید.



۲- **کشف حقیقت:** شناخت علمی به دنبال کشف حقیقت است و درباره‌ی درست یا

نادرست بودن، یا حق و باطل بودن شناخت عمومی داوری می‌کند.

۳- **رشد فرهنگ:** شناخت علمی با روشن کردن خطاهای شناخت عمومی، به تدریج به

عرصه‌ی فهم عرفی و عمومی وارد می‌شود و از خطاهای شناخت عمومی کم می‌کند، به حدی که نتایج شناخت علمی جذب شناخت عمومی می‌شود، فرهنگ عمومی از خرافات و باورهای غلط دور می‌شود.

درباره‌ی تأثیر شناخت عمومی بر شناخت علمی از موارد زیر می‌توان یاد کرد:

۱- **طرح پرسش:** شناخت عمومی به تناسب مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه می‌شود،

برای شناخت علمی پرسش و مسئله به وجود می‌آورد.

وقتی در یک جامعه‌ای مسئله‌ی خاصی مطرح می‌شود، زمینه‌ی رشد علمی نسبت به

آن مسئله به وجود می‌آید. کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت منطقه‌ای می‌تواند بستر فعالیت جمعیت‌شناسی را فراهم آورد.

۲- **حمایت:** شناخت عمومی به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که در آن وجود دارد، ممکن

است بخشی از شناخت علمی یا همه‌ی آن را مورد حمایت قرار دهد؛ در این صورت، شناخت عمومی نیز به نوبه‌ی خود از ثمرات و آثار شناخت علمی استفاده و رشد می‌کند.



۳- **پیش‌گیری:** شناخت عمومی در برخی از فرهنگ‌ها مانع پیدایش یا بسط شناخت علمی می‌شود. اگر عقاید و ارزش‌هایی که در شناخت عمومی وجود دارند با همه‌ی علوم یا برخی از آن‌ها ناسازگار باشند، مانع از آموزش یا گسترش علمی می‌شود.



پاسخ دهید

- چه نوع عقاید و ارزش‌هایی مانع از رشد و توسعه‌ی علم پزشکی می‌شود؟
- طی جنگ جهانی اول و دوم، چه علمی توسعه پیدا کرد و چرا این علوم در آن سال‌ها رشد کرد؟

مفاهیم کلیدی

شناخت عمومی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

شناخت اجتماعی به دو نوع، شناخت عمومی و شناخت علمی، تقسیم می‌شود.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

انواع شناخت علمی



● رصدخانه مراغه



فرهنگ و علم

ما می‌دانیم شناخت عمومی در جهان‌های اجتماعی مختلف، متفاوت است. آیا شناخت علمی نیز براساس فرهنگ‌های گوناگون تفاوت دارد؟

«ویروس آنفلوانزا علت بیماری است»، «کم شدن کالای مورد نیاز سبب گرانی آن است»، «دو به اضافه‌ی سه پنج» و ...؛ این قوانین علمی اگر درست‌اند به جامعه‌ای خاص و به اعتقادات و

ارزش‌های جوامع مختلف ارتباطی ندارد. اما جوامع مختلف بر اساس شناخت عمومی، اعتقادات، ارزش‌ها و نیازهای خود با قوانین علمی برخورد‌هایی متفاوت دارند.

همه‌ی جوامع علمی را که به آن احتیاج دارند و با عقاید و ارزش‌هایشان مخالفت ندارد، به سهولت می‌پذیرند و در جهت شناخت و کشف آن‌ها اقدام و از آن‌ها حمایت می‌کنند؛ و علمی را که به آن‌ها نیاز ندارند، دنبال نمی‌کنند و بخش‌هایی از علوم را که مخالف عقاید و باورهایشان باشد، نمی‌پذیرند.

وقتی شناخت عمومی با بخشی از شناخت علمی مخالف باشد، یکی از دو راه بیش‌تر باقی نمی‌ماند؛ یا شناخت عمومی جامعه تغییر می‌یابد و اصلاح می‌شود یا آن بخش از علوم انکار و طرد می‌شود.

بسیاری از فرهنگ‌ها بر اساس شناخت عمومی خود، بخش‌هایی از شناخت علمی را انکار کرده و معنای علم را محدود ساخته‌اند، بعضی از فرهنگ‌ها با هر نوع شناخت علمی مخالفت ورزیده‌اند. بعضی از فرهنگ‌ها نیز هیچ حقیقتی را قبول ندارند تا علم آن را جست‌وجو و کشف کند.

هم‌اندیشی کنید

● در یونان گروهی بوده‌اند که عالم را مثل خواب و پندار آدمیان می‌دانستند. آنان حقیقت جهان را انکار می‌کردند؛ به این گروه «سوفسطایی» می‌گویند. آیا براساس عقیده‌ی این گروه می‌توان شناخت علمی داشت؟

شناخت حسی و عقلی

جهان‌های اجتماعی براساس فرهنگ‌های گوناگونی که دارند، با شناخت علمی و بخش‌های مختلف آن برخوردی یکسان ندارند. بخش‌های مختلف شناخت علمی کدام‌اند؟

شناخت حسی، شناخت امور جزئی است؛ مثل دیدن دوست خود در خیابان یا معلم در کلاس.

ابزار شناخت حسی، حواس آدمی است؛ مانند چشم و گوش.

منبع شناخت حسی، عالم طبیعت است، امور غیر طبیعی، محسوس نیستند.
روش شناخت حسی، مشاهده و احساس با حواس مختلف است.



شناخت عقلی: شناخت مسائل و قوانین کلی و عام است.
ابزار شناخت عقلی، عقل انسان است. این نوع شناخت بدون استفاده از این ابزار به دست نمی‌آید. برخی از حیوانات در بعضی از حواس خود قوی‌تر از انسان‌ها هستند. ولی از شناخت عقلی محرومند. انسان‌ها گاهی از همین ویژگی حیوانات برای به دام انداختن آن‌ها استفاده می‌کنند و حیواناتی که به دام می‌افتند علی‌رغم این‌که گاهی دام، بسیار ساده است توان رهایی از آن را ندارند.

منبع شناخت عقلی، حقایق طبیعی و غیر طبیعی است.
روش شناخت عقلی، تفکر و استدلال است.
انسان با تفکر و استدلال درباره‌ی اموری که قبلاً حس کرده است یا امور طبیعی که قابل حس کردن نیستند به شناخت عقلی درباری آن‌ها می‌رسد.
به استدلال‌های عقلی درباره‌ی امور محسوس و طبیعی «استدلال تجربی» و به استدلال‌های عقلی درباره‌ی امور غیر محسوس و غیر طبیعی «استدلال غیرتجربی یا تجریدی» می‌گویند.

جست‌وجو کنید

- با توجه به آنچه در درس نهم درباره تقسیم جهان اجتماعی به اجزای ذهنی و عینی خواندید. دو پدیده‌ی اجتماعی را که از قلمرو شناخت حسی بیرون است و دو پدیده‌ی اجتماعی را که جز با حس شناخته نمی‌شوند، پیدا کنید.

شناخت شهودی

شناخت شهودی از انواع شناخت علمی است. فرهنگ‌های مختلف با این نوع شناخت برخوردی یکسان ندارند و برخی از فرهنگ‌ها، آن را غیر علمی می‌دانند. شناخت شهودی چیست و اقسام آن کدام‌اند؟ ابزار، منبع و روش شناخت شهودی با ابزار، منبع و روش شناخت حسی و عقلی فرق دارد.

شناخت شهودی در هر سه معیار ابزار، منبع و روش با شناخت حسی و عقلی تفاوت دارد.

ابزار شناخت شهودی، دل و قلب آدمی است؛ انسان از درون خود بدون استفاده از ابزارهای حسی و عقلی بسیاری از امور محسوس و غیر محسوس را می‌شناسد. شناخت غریزی حیوانات نسبت به خیلی از امور مورد نیازشان از همین قبیل است؛ مثلاً، آنان اغلب دوست و دشمن خود را در نخستین برخورد و بدون تجربه‌ی قبلی می‌شناسند.

منبع شناخت شهودی، وحی و الهامات الهی و غیر الهی است. وحی در معنای خاص نوعی شناخت شهودی مربوط به پیامبران بوده که از طرف خداوند برای هدایت آدمیان است. به این معنای خاص «وحی تشریحی» نیز می‌گویند. معنای عام وحی همان شناخت مرموز درونی است که شامل همه‌ی الهامات می‌شود.



وحی‌کننده در این معنای عام می‌تواند خداوند سبحان یا غیر او و از جمله شیطان باشد. خداوند سبحان به شیاطین نیز وحی را نسبت داده است.^۱ وحی‌گیرنده نیز می‌تواند انسان یا غیر انسان باشد؛ مثلاً خداوند سبحان، از وحی خود به زنبور عسل خبر داده است.^۲

روش شناخت شهودی، مشاهده و استدلال نیست بلکه ریاضت، سلوک، تصفیه، تزکیه و بالاخره نحوه‌ی رفتار و عمل آدمی است. هر نوع شهودی با نوعی خاص از سلوک همراه است. شناخت شهودی انسان دارای انواع و مراتبی است. مهم‌ترین آن‌ها، تقسیم به دو نوع رحمانی و شیطانی است.

شهودهای رحمانی، با وحی مستقیم الهی یا از طریق فرشتگان انجام می‌شود؛ انبیا و اولیای الهی از این نوع وحی بهره‌می‌برند.

شهودهای شیطانی، به وسیله‌ی شیطان و برای فریب انسان رخ می‌دهد.

شناسایی کنید

- نمونه‌هایی را از شناخت‌هایی که حیوانات بدون استفاده از تجربه و استدلال دارند، به کلاس معرفی کنید.
- با پرکردن جدول زیر تفاوت‌های انواع شناخت علمی را توضیح دهید.

شهودی	عقلی	تجربی	نوع
			معیار
			ابزار
			منبع
			روش

۱- ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلکم (سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۱)؛ شیاطین به دوستان خود وحی می‌کنند تا با شما مجادله‌کنند.

۲- و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و مما یعرشون. (سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۶۸)؛ و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد تا از کوه‌ها و از درختان و داربست‌هایی که (مردم) می‌سازند، لانه بگیرد.

مفاهیم کلیدی

شناخت علمی ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

- جهان‌های اجتماعی و فرهنگ‌های مختلف با شناخت علمی برخورد یکسان ندارند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شناخت اجتماعی تجربی



شناخت تجربی در جهان امروز

شناخت حسی و تجربی، بخشی از شناخت علمی است. جهان اجتماعی متجدد به دلایلی که ریشه در شناخت عمومی و فرهنگ آن دارد، در مقطعی از تاریخ خود، این بخش از شناخت علمی را مورد حمایت قرار داده است. این حادثه چگونه اتفاق افتاد و چه مسیری را دنبال می‌کند؟

اگر به یاد داشته باشید، در سال سوم دبستان برای نخستین بار با درس علوم آشنا شدید.

در کتاب علوم دانش‌هایی را فراگرفتید که از ابزار حس، منبع طبیعت و روش مشاهده، آزمایش و تجربه استفاده می‌کنند.

ما امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن فقط از شناخت‌های حسی و تجربی با اسم علم یاد می‌شود. در این جهان به شناختی که حسی و تجربی نباشد، «معرفت» گفته می‌شود. معنای تقسیم فوق این است که شناخت علمی شناختی است که با حس بتوان آن را اثبات، یا ابطال کرد؛ یعنی درست یا نادرست بودن آن تنها با حس معلوم شود.

محدود کردن معنای علم به علم تجربی در تاریخ اندیشه‌ی بشر و حتی در جهان غرب سابقه‌ی چندانی ندارد و به نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم باز می‌گردد. این تعریف از علم، از نیمه‌ی دوم قرن بیستم مورد تردید فیلسوفان علم قرار گرفت.

دلیل فرهنگی و اجتماعی فراگیری و گسترش تعریف حسی از علم و علت تردید زود هنگام نسبت به این تعریف چیست؟ رویکرد دنیوی انسان معاصر عامل مهمی است که او را، هم به سوی حس‌گرایی و هم به سوی انکار بخش‌های غیر تجربی و غیر حسی علوم، سوق داد؛ زیرا حس، ابزار دنیوی شناخت بشری است و نقطه‌ی قوت علوم حسی و تجربی نیز این است که انسان را در تسلط بر عالم طبیعت یاری می‌کند.

علت تردید فیلسوفان علم در محدود بودن علم به شناخت حسی، آگاهی آنان به این حقیقت است که شناخت حسی بدون استفاده از ذهن و عقل بشر نمی‌تواند سازمان پیدا کند و به صورت شناخت کلی علمی درآید.

مقایسه کنید

- معنای علم را در قرآن کریم و در فرهنگ اسلامی با معنایی که علم در قرن نوزدهم پیدا کرده است، مقایسه کنید و درباره‌ی دلیل تفاوت معنای آن گفت‌وگو کنید.

رویکرد تجربی به علوم اجتماعی

بخشی از شناخت علمی جامعه، شناخت تجربی است. محدود کردن شناخت علمی جامعه به شناخت تجربی، پدیده‌ای اجتماعی است که در دوره‌ای خاص از جهان اجتماعی غرب رخ داده است. این پدیده در چه زمانی و چگونه رخ داد؟

در جهانی که به دلایل فرهنگی و تاریخی، شناخت علمی به دانش حسی و تجربی محدود می‌شود، شناخت علمی جامعه نیز به بخش تجربی آن محدود می‌شود. هنگام غلبه‌ی دیدگاه حس‌گرایانه یعنی در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسی نه تنها فقط با روش تجربی دنبال می‌شد بلکه موضوع آن نیز مانند موضوعات طبیعی مورد بررسی قرار می‌گرفت. اگوست کنت معتقد بود شناختی که از راه حس و تجربه به‌دست نیامده باشد، شناخت علمی نیست. او شناخت‌های شهودی و وحیانی و همچنین شناخت عقلی را شناخت‌های غیر علمی می‌دانست و آن‌ها را پندارهای مربوط به دوران کودکی و نوجوانی بشریت می‌خواند.



غلبه‌ی دیدگاه حس‌گرایانه سبب شد تا آگاهی‌های پیشین بشر نسبت به جامعه‌ی انسانی نیز به دلیل این که از روش‌های صرفاً حسی به‌دست نیامده بود یا از روش عقلی استفاده کرده بود، آگاهی‌های غیر علمی دانسته شود و جامعه‌شناسی، دانشی معرفی شود که در قرن نوزدهم

متولد شده است.

بی‌تردید حس و تجربه یکی از راه‌های مهم شناخت جهان خارج است و جامعه‌شناسانی که با روش حسّی و تجربی به شناخت جهان اجتماعی می‌پرداختند، دستاوردها و اطلاعات ارزشمندی را به دست آوردند. مشکل حس‌گرایان در این است که راه‌های دیگری را که برای شناخت عالم و از جمله شناخت جهان اجتماعی وجود دارد، مورد غفلت یا انکار قرار دادند. محدود کردن شناخت علمی جامعه به شناخت تجربی، محدودیت‌هایی نیز برای علوم اجتماعی به وجود می‌آورد.

یادآوری کنید

● با استفاده از مباحثی که در درس ششم درباره‌ی تاریخ جامعه‌شناسی گذشت، محدودیت‌ها و مشکلات جامعه‌شناسی پوزیتیویستی را بازگوید.

رویکردهای بعد تجربی

رویکرد صرفاً حسّی و تجربی به علوم اجتماعی مانند اصل حس‌گرایی علمی بیش از یک سده در جهان متجدد دوام نیاورد. با افول این رویکرد، علوم اجتماعی چه ویژگی‌هایی پیدا کرده است؟

رویکرد صرفاً حسّی و تجربی به علوم اجتماعی با سه آسیب مهم مواجه است:



● مراحل عمل خیلی خوب پیش رفت ولی متأسفانه بیمار مرد!

اول این که مانع از این شد که جامعه‌شناسی نسبت به پدیده‌های اجتماعی داوری ارزشی و هنجاری کند و از این زاویه زبان به انتقاد نسبت به پدیده‌ها یا نظام اجتماعی بگشاید. دوم این که با حذف ابعاد ارزشی، علوم اجتماعی را به صورت یک علم ابزاری در ردیف علوم طبیعی قرار داد.

سوم این که ابزاری دانستن علوم اجتماعی، امکان مقابله‌ی جامعه‌شناسی با ارزش‌های حاکم را از بین برد و به آن خصلتی محافظه کارانه نسبت به جهان و نظام اجتماعی موجود بخشید.

جامعه‌شناسان انتقادی برای خارج کردن علوم اجتماعی از محدودیت‌هایی که جامعه‌شناسی تجربی گرفتار آن شده بود و هم‌چنین برای گریز از مشکلات منطقی علم تجربی، ناگزیر به سطوح و بخش‌های دیگری از شناخت پناه بردند.

شناختی که جامعه‌شناسی انتقادی برای رفع کاستی‌های علم حسی و جامعه‌شناسی تجربی استفاده کرد، همان اندوخته‌ی اجتماعی شناخت بشری است که از آن با عنوان شناخت عمومی یاد کردیم که فهم عرفی یا عقل جمعی نیز نامیده می‌شود.

استفاده از این نوع شناخت و عقل، شناخت علمی را در حاشیه‌ی شناخت عمومی قرار می‌دهد و به آن ملحق می‌گرداند. در این حال، شناخت علمی به تبع شناخت عمومی سیار و متغییر می‌شود و این دیدگاه برخلاف دیدگاهی خواهد بود که شناخت علمی را کاشف حقیقت و معیاری برای درست و نادرست بودن شناخت عمومی می‌داند.

تأمل کنید

- براساس دیدگاه انتقادی، آیا شناخت علمی در جهان‌های اجتماعی و فرهنگ‌های مختلف یکسان خواهد بود؟

مفاهیم کلیدی

شناخت تجربی ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، فقط شناخت حسی و تجربی
را شناخت علمی نامیدند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

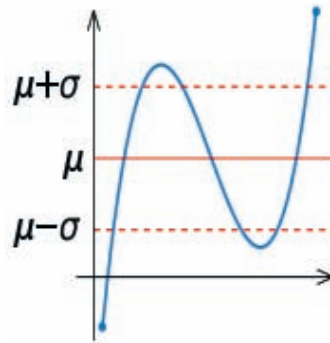
.....

.....

شناخت اجتماعی عقلی



$$\sigma = \sqrt{\frac{\sum (x_i - m)^2}{n-1}}$$



اقسام شناخت عقلی

شناخت عقلی بخشی از شناخت علمی است. شناخت عقلی نیز دارای مراتب و اقسام مختلفی است. اقسام شناخت عقلی کدامند؟

عقل در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود.

عقل در معنای وسیع و عام ابزاری برای هر نوع شناخت و تلاش علمی و ذهنی انسان است. عقل به این معنا، هم (۱) ابزار شناخت امور کلی و غیر طبیعی است، هم (۲) ابزار شناخت حسی - تجربی و هم (۳) ابزار شناخت عمومی و عرفی است. به همین دلیل، برای شناخت حسی و تجربی، گاه از عبارت «عقل جزئی» و «عقل تجربی» یا «عقل ابزاری» استفاده می‌کنند و برای شناخت عمومی نیز گاه «عقل جمعی» یا «عقل عرفی» را به کار می‌برند.

عقل در معنای خاص فقط در تأملات فکری و فعالیت‌های روشمند علمی و ذهنی‌ای حضور

دارد که به درک حقایق کلی می‌پردازد.

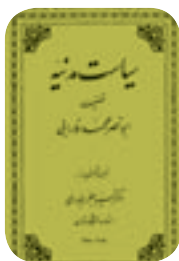
عقل در معنای خاص همان‌گونه که در درس هفتم دانستیم – به دو نوع اصلی نظری و عملی تقسیم می‌شود؛
عقل نظری به شناخت هستی‌ها می‌پردازد و عقل عملی باید‌ها و نبایدها و احکام ارزشی را شناسایی می‌کند.

گفت‌وگو کنید

● در درس ششم با سه نوع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، تفهیمی و انتقادی آشنا شدیم. هر یک از آن‌ها از کدام نوع عقل استفاده می‌کنند؟

رویکرد عقلی به علوم اجتماعی

رویکرد عقلی به علوم اجتماعی در فرهنگ‌هایی ممکن است که شناخت عقلی در آن‌ها مورد پذیرش قرار گرفته و حضور داشته باشد. کدام جوامع از شناخت عقلی بهره‌مند بوده‌اند؟



منظور از علوم اجتماعی عقلی، علمی است که از معنای خاص عقل، یعنی عقل نظری و عملی، استفاده کند. این معنا از علوم اجتماعی فقط خاص جوامعی است که عقلانیت به معنای خاص در آن جامعه پذیرفته شده باشد. معنای خاص عقلانیت در جهان غرب تا قبل از غلبه‌ی حس‌گرایی – یعنی تا نیمه‌ی اول قرن نوزدهم – حضور داشته است. در جهان اسلام و هم‌چنین در بخش‌هایی از جامعه‌ی یونان نیز عقل نظری و عملی مورد توجه قرار داشت و به همین دلیل، در این جوامع تفسیرها و تبیین‌های عقلی نسبت به پدیده‌های اجتماعی وجود داشت. کتاب سیاست از ارسطو، سیاست مدنی از فارابی و برخی از آثار هگل، نمونه‌هایی از شناخت اجتماعی عقلی‌اند.

در جوامعی که حس‌گرایی بر آن غالب باشد و هم‌چنین در فرهنگ‌هایی که شناخت عمومی جای عقل نظری و عملی را گرفته باشد، علوم اجتماعی عقلی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

یادآوری کنید

- با تأمل در درس هفتم، برخی از ویژگی‌های علوم اجتماعی عقلی را بیان کنید.

توانمندی‌ها و آسیب‌های رویکرد عقلی

علوم اجتماعی عقلی در مقایسه با علوم اجتماعی تجربی و انتقادی نقاط قوتی دارد. این نوع شناخت اجتماعی را برخی آسیب‌ها نیز تهدید می‌کند. توانمندی‌ها و آسیب‌های آن چیست؟

علم اجتماعی عقلی با استفاده از عقل نظری می‌تواند به شناخت ابعاد معنوی انسان و جهان بپردازد و براین اساس، سعادت و کمال آدمی را شناسایی کند؛ این علم با استفاده از عقل عملی، ارزش‌ها و احکامی را که برای رسیدن به آرمان‌های انسانی مورد نیاز است، شناسایی می‌کند. این علم با کمک حس و با استفاده از عقل تجربی و هم‌چنین با کمک شناخت عمومی و فهم عرفی، دانش ابزاری مورد نیاز را برای تدبیر پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌آورد.

علوم اجتماعی با رویکرد عقلی به دلیل توانمندی‌های فوق، قدرت داوری، ارزشی نسبت به جوامع مختلف را پیدا کرده و توان برخورد انتقادی با آن‌ها را داراست و به همین دلیل، این رویکرد، هیچ یک از آسیب‌های رویکرد تجربی به علوم اجتماعی را ندارد.



رویکرد عقلی به علوم اجتماعی به دلیل این که عقل نظری و عملی رابه شناخت عمومی تنزل نمی‌دهد، ارزش شناخت علمی را نسبت به فرهنگ‌ها و جوامع مختلف حفظ می‌کند.

آسیب مهم رویکرد عقلی هنگامی رخ می‌دهد که این رویکرد شناخت را فقط به معرفت عقلی محدود کند و منکر ارزش علمی شناخت حسی و شهودی شود. هگل اندیشمندی است که شناخت اجتماعی او از این نظر آسیب‌پذیر است.

بحث کنید

- آیا شناخت عقلی بدون استفاده از شناخت حسی و تجربی می‌تواند درباره‌ی جامعه‌ی پیرامون خود اظهار نظر کند؟

مفاهیم کلیدی

عقل ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– عقل دارای دو معنای عام و خاص است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شناخت اجتماعی شهودی

جهان اساطیری

شناخت شهودی انواع و مراتب فراوانی دارد؛ یک نوع اصلی آن، شهود شیطانی است. این شناخت مربوط به کدام جهان است، و چه نسبتی با علوم عقلی و تجربی دارد؟

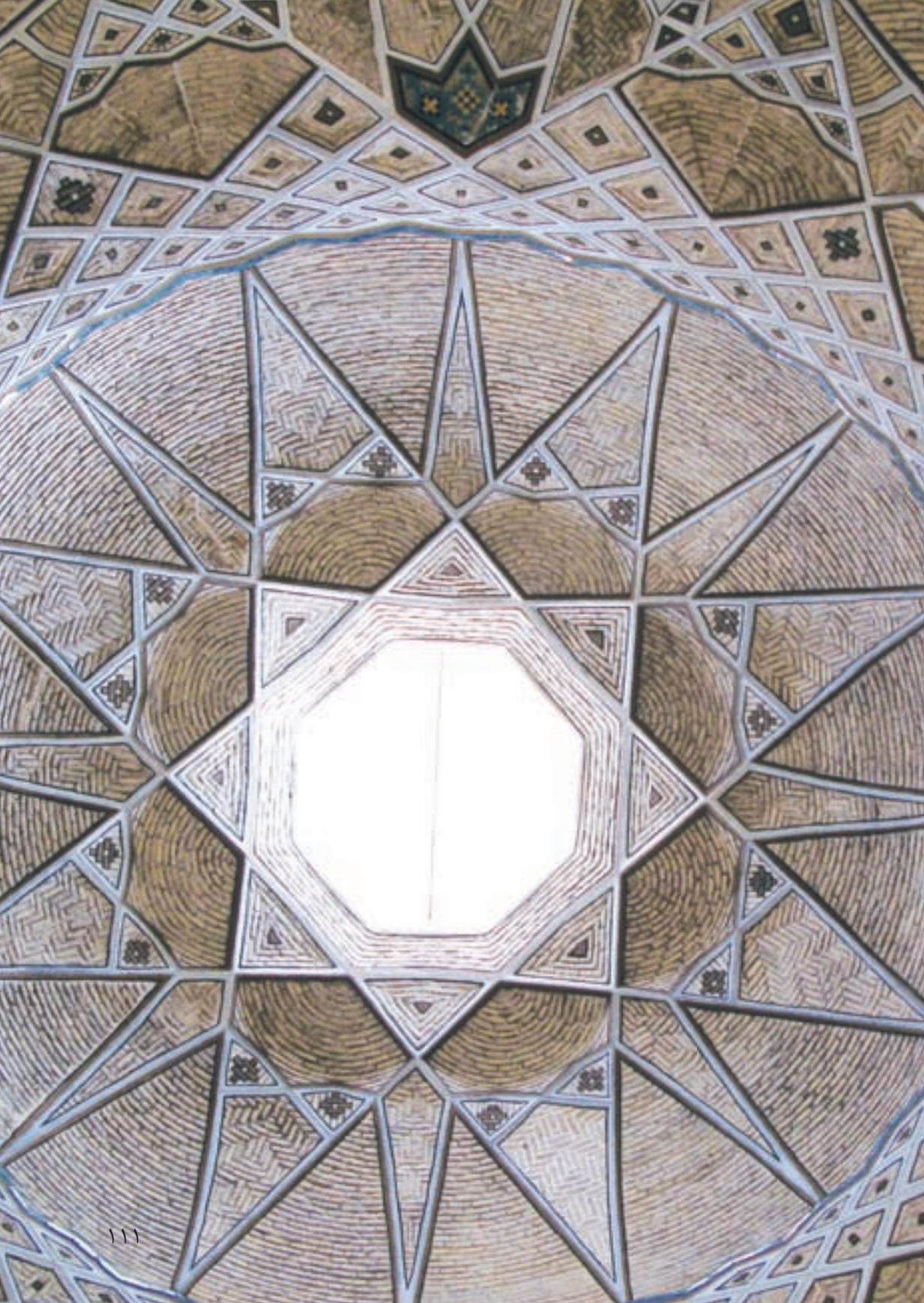
در درس دوازدهم، جهان‌های اجتماعی به دو نوع معنوی و دنیوی و نیز جهان معنوی به دو نوع اساطیری و توحیدی تقسیم شد.

انسان جهان اساطیری، هستی را در جهان طبیعت محدود نمی‌بیند بلکه به موجودات فوق طبیعی نیز قائل است. موجودات فوق طبیعی در عالم اساطیر به یک حقیقت متعالی و مقدس باز نمی‌گردند بلکه الهه‌های متفرق و خداوندگان متعدّدند.

جهان اساطیری حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات فوق طبیعی است؛ همان‌گونه که نگاه دنیوی حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات طبیعی است.

در جهان اساطیری انسان‌ها به دنبال آن‌اند تا با استفاده از قدرت‌ها و نیروهای فوق طبیعی، نیازهای مادی و دنیوی خود را نیز تأمین کنند. آنان کنش‌های خود را با الهامات شیطانی و اندیشه‌های اسطوره‌ای سازمان می‌دهند و از این طریق، نظام اجتماعی، روابط اجتماعی و جنگ و صلح خود را با خواست و اراده‌ی الهه‌ها و خداوندگاران متعدّد پیوند می‌زنند.

در این جهان با همه‌ی مراتب عقلانیت مخالفت می‌شود و فقط شناخت عمومی یا عقل عرفی که اندوخته‌ی تاریخی جامعه و میراث فرهنگی گذشتگان است، محترم شمرده می‌شود.



در جهان اساطیر، عقل تجربی و ابزاری نیز ارزشی ندارد؛ زیرا انسان اسطوره‌ای سلطه بر طبیعت را از راه طبیعت دنبال نمی‌کند بلکه از طریق ارتباط با موجودات و نیروهای فوق طبیعی به دست می‌آورد و علومی که این ارتباط را تأمین می‌کنند، علوم غریبه‌اند؛ مانند: سحر، جادو، کهنات، نجوم و



تحقیق کنید

- بسیاری از فرهنگ‌ها در گذشته‌ی تاریخ، فرهنگ‌های اساطیری‌اند، درباره‌ی برخی از آن‌ها تحقیق و با دوستان خود گفت‌وگو کنید.
- شیطان پرستی و عرفان‌های کاذب پدیده‌های مربوط به کدام جهان هستند؟ درباره‌ی علل گسترش اخیر این دو پدیده در جهان متجدد گفت‌وگو کنید.

جهان توحیدی

انبیاء و اولیای الهی از وحی و الهامات الهی بهره می‌برند. این نوع شهود چه عقاید و آرمان‌هایی را به دنبال می‌آورد و چه تصویری را از انسان و جهان ترسیم می‌کند و در این جهان، عقل چه جایگاهی دارد؟

توحید در کانون جهانی است که انبیای الهی معرفی می‌کنند. اعتقاد به توحید، اعتقاد به یک موجود مقدّس است. مقدس بودن به معنای منزّه بودن از صفات نقص، مانند جهل و ناتوانی، و منزّه بودن از صفات کمالی است که با نقص همراه باشد؛ مثل علم محدود یا قدرت محدود. موجود مقدّس همه‌ی کمالات را به نحو نامحدود داراست.

موجودی که همه‌ی کمالات را به صورت نامحدود داراست، واحد و یگانه است. او نام‌های فراوانی دارد که بر اوصاف و کمالات مختلف وی دلالت می‌کنند؛ مانند عالم، قادر، حی، رازق، قدّوس، ... و الله نامی است که بر همه‌ی این اوصاف دلالت می‌کند.

اعتقاد به توحید مانع از این می‌شود که دیگر موجودات مستقل از علم، قدرت، اراده و صفات دیگر او باشند؛ زیرا استقلال آن‌ها، به معنای محدود بودن او خواهد بود. همه‌ی موجوداتی که در عالم طبیعت و غیر آن‌اند، آیات و نشانه‌های اویند. این آیات و نشانه‌ها از نزد او آمده و به سوی او باز می‌گردند.

در این جهان، انسان بزرگترین آیت و نشانه‌ی خداوند است؛ یعنی، موجودی است که بیش‌تر از دیگر موجودات می‌تواند نام‌ها و صفات او را آشکار سازد.

جهانی که مخلوق خداوند است، براساس حکمت آفریده شده، است. اولین مخلوق خداوند در این جهان، عقل است و خداوند دیگر موجودات را براساس آن آفریده است؛ بنابراین، نظام جهان نیز عقلانی است.

سعادت و رستگاری انسانی نیز در بازگشت به سوی خداوند و نزدیک شدن به آن هستی قدسی است.

تحقیق کنید

- درباره‌ی علم و عقل در جهان توحیدی مطالعه کنید و در کلاس با هم گفت و گو کنید.

علوم و حیانی

شناخت و حیانی انبیا - علیهم‌السلام - مهم‌ترین بخش از شناخت علمی در جهان توحیدی است. این شناخت از کدام منبع استفاده می‌کند و چه ارتباطی با شناخت عقلی و حسی دارد؟

شناخت و حیانی انبیا - علیهم‌السلام - ناظر به مسائلی است که برای بشر در زندگی این جهان و در فرهنگ و شناخت عمومی وجود دارد. پیامبران برای حل مشکلات و رفع موانع و بندهایی آمده‌اند که نظام‌های اجتماعی در راه رشد و تعالی انسان به وجود آورده‌اند. وحی الهی با آن که نظر به مسائل طبیعی و مشکلات اجتماعی بشر دارد، از منبع طبیعت یا شناخت عمومی و اموری از این قبیل استفاده نمی‌کند بلکه از منبع شناخت و حیانی و علم و اراده‌ی الهی استفاده

می‌کند. وحی از نزد خداوند نازل می‌شود و به همین دلیل به آن «علم لدنی» نیز می‌گویند. شناخت و حیانی با شناخت و علم عقلانی مخالفتی ندارد. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل نیز فرامی‌خواند. علی - علیه السلام - از جمله کارهایی که برای پیامبران بیان می‌کند این است که آنان آمده‌اند تا دفرینه‌های عقل انسان‌ها را برانگیزانند.

شناخت و حیانی، حس را نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت مورد توجه قرار می‌دهد. انبیاء الهی، انسان‌ها را از وسوسه‌ها و شهوذهای شیطانی برحذر می‌دارند و این نوع از شناخت را معتبر نمی‌دانند و شناخت عمومی را نیز که میراث گذشتگان است تا آن‌جا که با مراتب مختلف شناخت عقلی یا شناخت و حیانی مخالفت نداشته باشد، قبول می‌کنند.

مقایسه کنید

- تفاوت برخورد جهان توحیدی و جهان‌های اساطیری را با مراتب مختلف علوم و شناخت‌های عقلی مقایسه کنید.

مفاهیم کلیدی

جهان اساطیری :

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

خلاصه کنید

جهان اساطیری حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات فوق طبیعی است.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

آنچه از این درس آموختیم

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

شناخت اجتماعی قرآن



و انزل الله عليك الكتاب والحكمة و علمك ما لم تكن تعلم
و كان فضل الله عليك عظيما

سوره نمل: ۵۲

روش شناخت اجتماعی

قرآن کریم در بسیاری از آیات به مسائل اجتماعی انسان‌ها پرداخته است و انسان‌ها را نیز به تأمل در پدیده‌های اجتماعی فرمان داده است. دیدگاه و روش مورد نظر قرآن برای شناخت اجتماعی چیست؟

جهانی را که قرآن برای انسان ترسیم می‌کند، جهان توحیدی است. در این جهان، همه‌ی موجودات و مخلوقات، آیات و نشانه‌های خداوند سبحان‌اند و به همین دلیل، همه‌ی علوم به شناخت آیات الهی می‌پردازند. علوم طبیعی آیات آفاقی (نشانه‌های طبیعی) و علوم انسانی آیات انفسی (نشانه‌های انسانی) و علوم اجتماعی، آیات اجتماعی خداوند را شناسایی می‌کنند و به همین دلیل، علم وسیله‌ی نزدیک‌شدن انسان به خداوند و خشوع در برابر اوست و تحصیل علم از برترین عبادت‌هاست.

از منظر قرآن، شناخت اجتماعی با سه ابزار حس، عقل و وحی به دست می‌آید. قرآن کریم

همان‌گونه که از مشاهده‌ی پدیده‌های عالم طبیعت سخن می‌گویید، به نظر و دقت در پدیده‌های اجتماعی نیز فرمان می‌دهد^۱ و در برخی آیات نیز انسان‌ها را به دلیل این که در سرنوشت اقوام و جوامع تعقل نمی‌کردند، نکوهش می‌کند^۲.

قرآن کریم برخی از شناخت‌های اجتماعی را نیز از طریق وحی در دسترس بشر قرار می‌دهد. بعضی از دانش‌هایی که خداوند متعال از راه وحی به بشر می‌آموزد، دانش‌هایی است که برای تأمین سعادت بشر مورد نیاز است ولی انسان از راه حس و عقل نمی‌تواند یاد بگیرد. خداوند سبحان درباره‌ی این گونه از دانش‌ها به پیامبر خود می‌فرماید: «و علمک ما لم تکن تعلم؛ خداوند به تو چیزی را آموخت که از نزد خود نمی‌توانستی بیاموزی»^۳.

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد
شناخت اجتماعی قرآن به دلیل استفاده از وحی و مراتب مختلف عقل بشری، به مراتب مشاهده و توصیف یا شناخت قوانین اجتماعی محدود نمی‌شود بلکه ابعاد ارزشی، هنجاری و انتقادی نیز دارد.

تأمل کنید

● درباره‌ی نحوه‌ی برخورد قرآن با دانش‌های اجتماعی تأمل کنید. برای این فعالیت مناسب است به تفسیر دو آیه‌ای که در این بخش به آن‌ها اشاره شد مراجعه کنید.

جامعه در قرآن

قرآن کریم براساس دیدگاه توحیدی نسبت به انسان و جهان، تصویری از جامعه‌ی انسانی ارائه داده و برخی از اصول و قوانین حاکم بر جوامع را بیان می‌کند. تصویر قرآنی از جامعه‌ی انسانی چیست؟ احکام و قوانین حاکم بر آن چگونه است؟

در تصویری که قرآن از جامعه‌ی انسانی ترسیم می‌کند، ویژگی‌های زیر را می‌توان دید:

۱- **تأثیر فرد بر جامعه:** براساس خواست و اراده‌های انسان‌ها شکل می‌گیرد و خداوند جامعه را براساس تغییری که انسان‌ها در نفس و جان خود ایجاد می‌کنند، تغییر می‌دهد. «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم؛ یعنی، به درستی که خداوند قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۵۷.

۲. سوره‌ی صافات، آیات ۱۲۸-۱۳۷.

۳. سوره نساء، آیه‌ی ۱۱۳.

که نفس‌های خود را تغییر دهند».

۲- **زندگی و حیات جوامع:** هر جامعه با آن که نتیجه‌ی کار آدمی است، از زندگی و حیاتی برخوردار است و از احکام و قوانینی پیروی می‌کند، این احکام پیامدهای الزامی جامعه بوده و به اختیار انسان‌ها نیستند.

۳- **اسارت انسان در نظام ظالمانه:** جوامعی که براساس کنش‌های ظالمانه و مجرمانه‌ی انسان‌ها شکل می‌گیرند، مانند زنجیرهایی اند که برگردن آدمیان افکنده می‌شوند و خداوند پیامبران را برای برداشتن این زنجیرها^۱ و برقراری عدالت و قسط^۲ می‌فرستد.

۴- **حق محور بودن جامعه‌ی توحیدی:** جامعه‌ی توحیدی براساس فطرت انسان^۳ است و راه سعادت معنوی و جاودانه‌ی انسان را هموار می‌کند. جامعه‌ی توحیدی بر مدار عقاید و آداب گذشتگان سازمان نمی‌یابد بلکه با نقد عقلانی تاریخ گذشتگان و عبرت‌آموزی از کردار آنان بر محور حقیقت شکل می‌گیرد.^۴

گفت‌وگو کنید

- درباره‌ی رابطه‌ی فرد و جامعه از دیدگاه قرآن گفت‌وگو کنید.

سنت‌های اجتماعی

در نگاه توحیدی، جامعه‌ی انسانی نیز مخلوق خداوند و از آیات و نشانه‌های اوست. قرآن کریم از قوانین و احکام جوامع با نام سنت‌های الهی یاد می‌کند. سنت‌های الهی جامعه کدام‌اند؟

پیامدهای الزامی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها همان قوانینی هستند که در زندگی اجتماعی وجود دارند. قرآن کریم از این قوانین با نام «سنت‌های الهی» یاد می‌کند.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۷

۲. سوره حدید، آیه ۲۵

۳. سوره روم، آیه ۳۰

۴. سوره بقره، آیه ۱۷۰



از نظر قرآن کریم، سنت‌های الهی جامعه عام و غیرقابل تغییرند؛ «فلن تجد لسنة الله تبديلا و لن تجد لسنة الله تحويلا؛ یعنی، برای سنت الهی تبدیل و تغییر وجود ندارد.»

برخی از سنت‌های الهی که در قرآن بیان شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱- سنت ظهور و سقوط امت‌ها: هر جامعه

و فرهنگی براساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که دارد، از حیات مخصوص به خود برخوردار است و بر همان اساس نیز مدت زندگانی آن مشخص می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لکل امة



اجل؛ هر امتی را دوره و اجلی معین است.»

۲- **سنت امتحان و ابتلای الهی:** انسان‌ها در جوامع مختلف براساس اختیار و اراده‌ی خود کنش‌ها و نظام اجتماعی را شکل می‌دهند و از این طریق در معرض امتحان و آزمایش قرار می‌گیرند.

۳- **سنت ارسال رسل (فرستادن پیامبران):** هر جامعه‌ای علاوه بر آن که از سطوح مختلف عقلانیت برای داوری نسبت به ارزش‌ها، هنجارها، آرمان‌ها و رفتارها برخوردار است، از وحی الهی نیز بهره‌مند است. آیات بسیاری از این سنت الهی یاد می‌کند؛ مثل «لکل امة رسول (یونس ۴۷)؛ هر امتی را پیامبری است.»



از دیگر سنت‌ها عبارت‌اند از: سنت مجازات، استدراج، مکر و پیروزی حق بر باطل برخی از متفکران اسلامی درباره‌ی سنت‌های اجتماعی و تاریخی در قرآن کریم، کتاب‌هایی را تألیف کرده‌اند؛ مانند: «سنت‌های تاریخی قرآن» اثر شهید آیت‌الله سید محمدباقر

صدر و کتاب «سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم» اثر دکتر احمد حامد مقدم.

در کتاب «دین و زندگی» سال چهارم متوسطه نیز با برخی از سنن اجتماعی قرآن آشنا خواهید شد.

تأمل کنید

- براساس بینش قرآنی، آیا قوانین حاکم بر جامعه اگر توسط عقل و تجربه شناخته شوند، از سنت‌های الهی‌اند؟ دلیل خود را بیان کنید.

مفاهیم کلیدی

سنت‌های اجتماعی ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

- قرآن کریم از قوانین زندگی اجتماعی به سنت‌های الهی یاد می‌کند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....